



xalvat.com



بخشی از کتاب «شناخت» «مجاهدین خلق ایران»: تصاد

مجاهدین خلق
ایران
۱۳۵۵/۶۶

idéologie

1ere partie

۴۳۳

CONNAISSANCE

«méthodologie»

ORGANISATION

DES MOJOUAHIDINES DU PEUPLE D'IRAN



Reproduction
Editions ABU-DHAR - 1978

کتاب ۷ انتشارات اولاد دیگوان ۱۳۷۸



تذکر

«شناخت» برای اولین بار در مهرماه ۱۳۵۱ توسط انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران^۱ در خارج از کشور منتشر گردید. در چاپ فوق الذکر بسیاری از پاورقیهای آورنده و جملاتی نیز از متن حذف گردیده است.

پاورقیها و جملات حذفی را پس از مقاله نسخه چاپی مهرماه ۱۳۵۱ با نسخه چاپی ۱/۲/۱۳۵۵ مجاهدین را همین داخل کشور یا گذاردن علامت «» در ابتدا^۲ و انتهای جملات حذفی مشخص نموده ایم.

xalvat.com

انتشارات ابوذر
فروردین ماه ۱۳۵۷

فهرست

۵۰	تصادها و آشنی پذیر و تصادهای آشنی ناپذیر	۱	اهمیت و ضرورت شناسائی صحیح
۵۱	پاورقیها	۲	شناسائی چیست و شناسائی صحیح کدام است
۶۳	اصل گذار از تغییرات کمی به تغییرات کیفی	۵	ملاك تشخیص شناسائی صحیح از غلط چیست؟
۶۳	مفاهیم کمی و کیفی تصوی همنفک	۶	پاورقیها
۶۵	نتایج علمی	۱۰	ارکان اصلی شناسائی علمی
۶۶	نظری درونی	۱۰	جهان خارجی مستقل از ذهن ما وجود دارد
۶۹	خاصیت مایویچس تغییرات	۱۲	جهان خارجی قابل شناختن است
۷۰	وحدت و لغزته	۱۳	نظم واحدی در جهان حاکمیت دارد
۷۰	نتایج	۱۵	سده و چوش علمی کدام است؟
۷۱	پاورقیها	۱۶	تصرف بقصد
۷۵	مراحل شناسائی دینامیک	۱۷	پاورقیها
۷۵	مرحله اول: شناسائی صورت حسی دارد	۲۲	اصول شناسائی دینامیک
۷۶	مرحله دوم: شناسائی صورت عقلی بنوید بگیرد	۲۲	اصل تغییر و حرکت
	مرحله سوم: وحدت و هم شناسائی عقلی در عمل و تجربه	۲۷	پاورقیها
۷۷	تحقیق بیشتر	۳۰	تاه تیر متقابل یا اصل همبستگی تغییرات و پیشرفتها بهم
	مرحله چهارم: شناسائی عقلی آزمایش شده، پیمانه جرح و	۳۰	ارتباط مکانیک یعنی چه؟
	نمات بلجائی به صورت قانون جز" معارف" واقعیت های شناخته	۳۱	ارتباط ارگانیک
۷۸	شده" پسر در می آید	۳۲	اثر متقابل دشواریها روی تکامل مبارزه
۷۹	نتایج علمی	۳۵	پاورقیها
۸۶	پاورقیها	۳۷	تصاد
		۳۹	نتایج علمی در جامعه
		۳۹	تصاد بین نظریات و نظریات با دنیای واقعی
		۴۰	خصوصیات ویژه تصاد مسا
		۴۳	رابطه تصاد های درونی اشیا با عوامل بیرونی
		۴۴	تصاد اصلی تصاد های قوی، جنبه اصلی تصاد
		۴۶	نتایج علمی
		۴۷	شیوه حل تصادها
		۴۷	نتایج علمی
		۴۸	دگماتیزم

انتشارات ایبو و معتقد به بحث هر چه وسیعتر " از مباحث نظری
 اسلامی " جهت گسترش آن در سطح گردهای می باشد . معیار
 ما در انتخاب امر و بیسوع طبقه بودن و در جنبه ارتقا" سطح
 شوریه جنبش اسلامی چین از مجاهدین می باشد و لا غیر .

۳ - تضاد

گفتیم که همه پدیده‌ها در حال تغییر و حرکت می‌باشند و ضمناً متوجه شدیم که تغییر تمام پدیده‌ها بهم ارتباط دارد و در واقع پیشرفت جریانات، همبستگی کامل بهم دارند. حال، میخواهیم ببینیم علت اصلی تغییر و حرکت پدیده‌ها چیست؟ و چرا پدیده‌ها در حال رشد مداوم هستند؟ و همچنین علت وابستگی کلیه تغییرات بهم چیست؟

* تضاد بمثابة یکی از علل تغییر پدیده‌ها از نقطه مذهبی صحیح تر است. *
از نظر متد دیالکتیک علت اصلی تغییر پدیده‌ها در درون آن نهفته است و آن عبارتست از وجود دو وجه متضاد و یا دو وجه متناقض در ذات اشیا و پدیده‌ها. بعبارت دیگر در جهان هیچ جریان و پدیده‌ای (اعم از طبیعی - فکری - اجتماعی) وجود ندارد که خالی از دو جنبه متناقض و متضاد باشد. (۱) اگرچه ما ظهور یک وجه آن را پدیده‌ها و حوادث مشاهده میکنیم (۲) -

ضمناً تغییر و حرکت کلیه اشیا و پدیده‌ها و حوادث، تصادم و درگیری دائمی این دو - وجه متضاد میباشد (۳) - این قانون یا تعبیرات مختلف بیان میشود ولی این تعبیر شاید رساتر باشد که تضاد در حرکت و اشیا، جوهری است (هیچ چیز در طبیعت با خودش سازش ندارد) مثلاً اتم، مجموعه متضاد بارهای مثبت و منفی است. انرژی ششمی در عین حال هم دارای خاصیت موجی و هم دارای خاصیت ذره‌ای است. وراثت (حفظ و انتقال خصوصیات قهلی) و سازش پذیری (قبول بعضی تغییرات و صفات جدید، به منظور تطبیق با محیط) دو وجه متضاد از خصوصیات ارگانیک یک موجود زنده است. انسان مجموعه دو نوع تعابلات متضاد است که یکی او را از جبر محیط میرهاند و دیگری چسبندگی و تبعیت او را به محیط بیشتر میکند (تضاد بین آزادی از بند غرائز و جبر محیط، بلا تکلیفی و احتیاج ندید به ادامه حیات، رهائی از بند بلا تکلیفی) - درون هر اجتماع یا هر سیستم نیز همواره دو نیروی (دو جنبه) اصلی متضاد، موجود میباشد که شکل آن سیستم یا آن اجتماع بسته به قدرت و ضعف و نحوه مقابله و درگیری این دو نیرو می‌باشد. بهر حال، نباید هیچ پدیده‌ای را مطلق و یک جانبه نگاه کرد. خوب و بد، قوی و ضعیف، کهنه و نو، فقیر و غنی، حسن

و باطل، شکست و پیروزی، غم و شادی، سلامت و بیماری، جنگ و صلح، حیات و موت، و... (۱) وجوه متضادی هستند که ارتباط ارگانیک با هم دارند. (۵) یعنی بدون وجود یکی، دیگری وجود ندارد. بدون خوب، بد، و بدون وجود فقیر، غنی و بدون وجود قوی، ضعیف و بدون وجود کهنه، نو و بدون وجود یکی، دیگری وجود ندارد. از همه اینها نتیجه گرفته میشود که اصولاً دو وجه متضاد در هر جهت، در عین دوگانگی و تناقض، مع الوصف کاملاً با هم وحدت داشته و برای موجودیت خویش متقابلاً بیکدیگر وابسته میباشند. چگونه ممکن است دو وجه متضاد پیوسته در کنار هم، موجودیت خود را ادامه دهند و در ظاهر سیستم واحدی را مجسم نمایند؟ جواب این است که در هر پدیده و جریانی، یکی از دو وجه مسلط است که حرکت و کیفیت ظاهری پدیده را مشخص میکند و وجه دیگر بدلیل مغلوب بودن غالباً نمیی تواند خود را در حرکات ظاهری پدیده مجسم سازد و تا هنگامی که ضعیف است و مغلوب، اکثراً تا محسوس و نامرئی میباشد و اینکه می بینیم تحت شرایط معینی، یک جنبه (غالب یا مغلوب) به جنبه دیگر تبدیل میشود، (مهم) مثلاً جنبه قوی به ضعیف و جنبه مسلط به جنبه معکوم، جنبه کهنه به جنبه نو، جنبه مرگ به جنبه حیات، و... تبدیل میگردد، خود، دلیل دیگری است برای وجود همزیستی دو جنبه متضاد در یک مجموعه واحد. امکان ندارد در یک فرد، خوبی و بدی - خود خواهی و گذشت، غرور و خود کم بینی و... به یک اندازه وجود داشته باشد و یا در اجتماع طبقاتی، امکان ندارد تمام طبقات (خصوصاً دو طبقه ای که دو جنبه تضاد اصلی را تشکیل میدهند) از امکانات اجتماع بیک میزان استفاده کنند و در یک وضع اجتماعی باشند. اقلیت حاکم و ممتاز (جنبه مسلط تضاد) فقط مصرف میکند، فقط لذت میبرد، فقط فرمان میدهد ولی اکثریت محکوم (جنبه مغلوب تضاد) همیشه تولید میکند، بدون اینکه مصرف کند، همیشه رنج میبرد، بدون اینکه لذتی انتظار داشته باشد، همیشه فرمانبر است بدون اینکه حق اظهار نظری داشته باشد، همیشه او فرش میبافد ولی زیر خود جز گلیم پاره و حصیر کهنه چیزی نیست. همیشه تولید کننده مواد غذایی و دارویی است ولی خود و فرزندانش از کم غذائی و بی دارویی تلف میشوند. (۶) ولی اجتماع مزبوس در چنین صورتی نیز خالی از مبارزه اعداد نیست. در اعاضدیت دو طبقه بیشتر میشود.

تفاسیح عملی در جاساسه

xalvat.com

هیچ قدرتمندی، قدرت مطلق ندارد و هیچ ضعیفی ضعیف مطلق نیست. (۷) مثلا رژیم کنونی قدرت زیادی دارد ولی در عین قدرت دارای نقاط ضعف اساسی و معوری است. امپریالیسم قدرتی غول آسا دارد ولی می بینیم که بسختی ضربه پذیر است. بنابراین در عین اینکه قدرتی فریبنده دارد، دارای نقاط ضعف اساسی رو بر شد است. (۸) نیروهای شرقی اگر چه ضعیف و قلیلتند اما دارای نقاط قوت بالقوه میباشند (۹) که با اقدام صحیح - قادرند نقاط ضعف دشمن و نقاط قوت خود را رشد دهند و توانائی مقابله با نیروهای مترجع را پیدا کنند پس اگر شرقی باشیم و اقدامات ما صحیح و دقیق باشد میتوانیم با رژیم و امپریالیسم روبرو شویم (۱۰) و آنها را شکست دهیم. مثال دیگر:

علم و جهل دو جنبه متضاد جریان شناخت میباشند و همیشه با هم اند. وقتی علم خود را در طبیعت بکار میگیریم بجهل خویش میبهریم. با تلاش بیشتر، مجهولات تازه ای کشف می کنیم اگر چه علم ما بیشتر شد، ولی در صورت بازگشت به طبیعت دوباره این جریان تکرار میشود (البته، عالیتر) پس نباید پنداشت که ما میتوانیم علم مطلق داشته باشیم. همواره و در عین حال که به بخش از طبیعت علم داریم قسمت های دیگری از آن برای ما مجهول است (۱۱) که حتما باید ضمن عمل کشف و معلوم شوند. پس نباید افکار و قضاوت های خود را بطور مطلق صحیح و همه جانبه بدانیم اگر این را قبول داشته باشیم همیشه میگوئیم تفکرات و قضاوت های خویش را تصحیح نمائیم، ما نباید خود و یا دیگران را مطلقا خوب و عاری از هر عیب و یا مطلقا بد، و فاقد هر حسن بدانیم (۱۲) در مورد شکست و پیروزی، در درون هر شکستی عوامل و نطفه های پیروزی وجود دارد (جمع بندی، عبرت آموزی و کشف نقاط ضعف) و در درون هر پیروزی عوامل جدید شکست (مثلا غرور و احساس بی نیازی از حرکت) موجود است (۱۳) .

تضاد بین نظریات و تشویرها یا دنیای واقعی

انسان در شرایط معین، بخش از واقعیت خارجی را میتواند بشناسد اما وقتی نظری —



حاصله را در قسمتهای ناشناخته تعمیم میدهد به تناقضزیر میخورد و همین امر مقدمه تشکیل نشوری جدید تری میشود که واقعیت را همه جانبه تر نشان میدهد. این تضاد موجب پیشرفت و ترقی علم و دانش در کلیه زمینه ها میگردد و از آنجا که پدیده های جهان بی نهایت هستند پس پیشرفت و ترقی دانش نیز تا بی نهایت ادامه دارد. با توجه به مثالهای فوق میتوان نتیجه گرفت که تضاد، قانون عمومی پدیده ها و طبیعت است.

نتیجه ای که میگیریم این است که هیچکس نباید در شناساییهای خود به آنچه رسیده است بیش از حد بها دهد و آنها را بالاترین و قطعی ترین علم ها و شناساییها بداند. باید توجه کند که اطلاعات او منحصر به بخشی از طبیعت است و بنابراین باید نسبت به ایراد و انتقاد دیگران موضع گیری مناسب داشته باشد.

xalvat.com

خصوصیات ویژه تضادها

همانطور که قبلاً گفته شد، کلیه اشیا و پدیده های جهان در حال تغییر و حرکت هستند و این تغییرات و حرکات ناشی از تضاد درونی آنها میباشد. از آنجا که نوع تغییرات و حرکات پدیده ها مختلف است تضاد های درونی آنها نیز که موجب این تغییرات می باشند متفاوت اند هر حرکت و تغییر خاصی در طبیعت، ناشی از تضاد خاصی است. عبارت دیگر، هر تغییر - خاصی معلول تضاد خاصی است و هر تضادی خصوصیت ویژه ای دارد که آنرا از سایر تضادها مشخص می کند، اختلاف کیفی پدیده ها بعلمت اختلاف کیفی تضاد های آنهاست و اختلاف تضادها نیز از اختلاف خصوصیات تضاد ناشی میشود. تضاد موجب تغییر است و خصوصیات ویژه تضاد شکل و نوع تغییر را معین میکند. مثلاً چرا تغییرات و تحولات یک موجود زنده یا یک موجود غیر زنده، اختلاف کیفی دارد؟ زیرا تضاد های آن بطور عمیق با هم متفاوتند اما چرا در میان موجودات زنده، ما شاهد اشکال مختلف تغییر و حرکت هستیم و چرا هر گونه زنده از موجودات زنده، پنجه خاصی تغییر و تحول پیدا میکنند؟ این بعلت خصوصیت ویژه تضاد های موجود است. یعنی در عین اینکه کلیه موجودات زنده در تغییر و تحولشان وجوه مشترکی دارند ولی هر نوع از آنها دارای ویژگی خاصی در تغییراتشان نیز میباشد. -



مثلا وجه مشترك تمام موجودات زنده قانون شبیه سازی و غیر شبیه سازی است. قانون مقبولیسم (سوخت و ساز درون سلولها) است اما هر شاخه موجودات زنده و ویژگیهای معینی نیز دارند که ناشی از خصوصیات ویژه تضاد های آنهاست.

xalvat.com

طبقه بندی گیاهان و جانوران بر اساس همین ویژگیهای تیره ای است. حتی در مورد گونه های مختلف یک خانواده که مقبولیسم مشترك دارند تضاد های ویژه ای موجود است و همین امر در مورد اجتماعات انسانی نیز صادق است. تغییرات اجتماعی در کلیه جوامع حاصل تضاد بین حق و باطل است و این وجه مشترك تمام اجتماعات است. اما در هر جامعه بنا به مرحله تاریخی و موقعیت خاص خود این تضاد نیز شکل خاصی پیدا میکند و عبارت دیگر حق و باطل در قالبهای مختلف ظهور نموده و لذا تغییرات هر اجتماعی اگرچه دارای جنبه های مشترك با تغییرات جوامع دیگر است ولی بهر حال شکل کاملا خاص و مستقل دارد. مثلا وجه مشترك تمام جوامع وابسته به امپریالیسم عبارتست از تضاد بین توده ها و امپریالیسم. اما در هر کدام از کشورهای وابسته، این تضاد شکل ویژه ای بخود میگیرد که از بقیه صورتها متمایز است. مثل فرقی ونزوئلا یا ایران که هر دو کشور وابسته به امپریالیسم است ولی بلحاظ ویژه کنی های خاص دو کشور، تضاد آن در هسسه یک از آن دو شکل خاصی دارد. نتیجه عملی بسیار مهمی که در همینجا میتوان گرفت این است که استراتژی و خط مشی کلی مبارزات در عین حال که وجوه مشترکی با هم دارند ولی خصوصیات ویژه ای نیز حتما باید داشته باشند. و این بعهد دستگاه رهبری است که شرایط خاص جامعه خودش را دریابد و وجوه مشترك و عام مبارزات جهانی را با ویژه گیهای خاص جامعه خود تلفیق دهد. (۱۴)

خط مشی هایی که جنبه اقتباسی داشته باشد محکوم به شکست است. در اینجا باید اضافه کرد که بررسی و مطالعه تاریخ و تجربیات گذشتهگان تنها موقعی ارزشمند است که بتوان از بررسی خصوصیات و ویژه گیهای گذشتهگان (در جامعه خود و کشورهای دیگر) و تحلیل وجوه خاص هر کدام، بوجوه عام و مشترك رسید (از خاص به عام برسیم) و در این صورت (با کشف وجوه عام) است که میتوانیم تجربیات انقلابات گذشته را در جامعه خود بکار گیریم (از عام به خاص برویم) و در غیر اینصورت، مطالعه تاریخ صرفا محفوظات ما را بالا خواهد برد (۱۵) .
بعنوان مثال وقتی تاریخ مبارزات خستگی ناپذیر خلق ایران را مطالعه میکنیم و در صدر

کشف علل ناگامی و شکست این مبارزات بر می آیم و علل خاص شکستها را در هر دوره از این مبارزات جویا می‌شویم و بین علل خاص بدنیال وجوه عام و مشترک ناگامی ها میگردیم بحالت اصلی این شکستها که در تمام مبارزات با شکل گوناگون بروز نموده است، این می‌بینیم (تضاد بین ساده اندیشی حاکم بر مغز رهبران مبارزات از یک طرف و پیچیدگی امر مبارزه از طرف دیگر) در این صورت است که میتوانیم این تجربه را در امر مبارزه خود بکار گیریم الا اینکه تنها بد اینم حزب توده در باره مصدق فضاوتی ناروا داشته و یا . . . چه نه! شیر سازنده ای در ما خواهد داشت؟ آیا ما هم با مصدق روبرو خواهیم شد، تا از این اجتناب کنیم؟ باید اضافه کنیم که در کشف نقاط ضعف اساسی فرد و یا سازمان نیز باید همین راه را دنبال نمود (کشف وجوه عام، علل اصلی) و در این صورت است که انتقاد اساسی و سازنده نیز امکان پذیر خواهد شد (مهم) وظیفه مهم قشر پیشتاز کشف وجوه مشترک مسائل مختلفی است که با آنها روبرو است، او باید کلیه اشتباهات را از این نقطه نظر مورد بررسی قرار دهد، شکست های مختلف در زمینه های سیاسی، نظامی، ناگامیهای بزرگ و کوچک در امور سازماندهی، تعلیماتی، امنیتی، عضوگیری، کنترل سازمانی و . . . بلاشک دارای نقاط و جنبه های مشترک و مربوط به هم هستند که باید قشر رهبری توانائی کشف آنها را داشته باشد، او باید بین اقدامات گذشته و غیر مشابه دشمن در زمینه های مختلف و برنامه های پراکنده سیاسی و تبلیغاتی، نظامی و . . . دشمن جنبه های مشترک را یافته، هسته محوری و نقاط ضعف و نقاط قوت تاکتیکی او را مشخص نماید.

کشف ارتباط بین پدیده ها و اتفاقات سیاسی که بظاهر کمتر و یا هیچ ارتباطی با هم ندارند و تشخیص جنبه های مشترک آنها از وظایف خاص قشر رهبری و پیشتاز است (۱۶) .
مثال دیگر وجه مشترک کلیه اعضای یک سازمان اینست که همه میخواهند با دشمن مبارزه کنند ولی هر که ام با تضاد ویژه ای در درون خود روبرو هستند، که موجب اختلاف روحیه ها میشود در عین حالیکه در بسیاری از موارد همه آنها دارای نقطه نظرهای مشترک هستند، بنا بر این باید رفتار خود را با تک تک افراد بر مبنای خصوصیات ویژه آنها قرار دهند بدین معنی که تضاد خاص هر فرد مزبور، در جهت حل این تضاد باشد، اگر مسئولین با تمام افراد یکسان معامله کنند این درست بدین معناست که خصوصیت ویژه تضاد را در افراد



نادیده گرفته تنها بشکل عام آن توجه دارند. (۱۷) چنین رفتاری از جانب مسئولین موجب تشدید تضاد های افراد میگردد و مسائل آنها را حادتر مینماید. مثلا کماتیکه دارای روحیه خود خواهی می باشند اگرچه تا حدود زیادی خصوصیاتش مشابه استولی در عین حال در هر يك از آنها خود خواهی بشکل کاملاً خاص بروز میکند (مانند انواع مختلف يك درخت گیلاس) بنا بر این نتیجه میشود که با وجود يکه برای درمان بیماریهای روحی مسأله خود خواهی يك راه حل عمومى وجود دارد اما در این موارد به هیچوجه نباید از خصوصیات ویژه هر فرد غافل بود.

همچنین وجه مشترك تمام علوم، حل تضاد بین جهان عینی و جهان ذهنی است ولی در هر يك از علوم این تضاد شكل خاصى پیدا میکند و این تفاوت بخاطر خصوصیت ویژه ایستگه آنها دارا هستند.

xalvat.com

رابطه تضاد های درونی اشیا با عوامل بیرونی؛

میدانیم مثلاً تغییر حرکت پدیده ها تضاد درونی آنهاست. اما عوامل بیرونی در این تغییرات چه نقشی دارند؟ هر پدیده تحت تاثير سایر پدیده ها است ولی این تاثيرات را باعتبار ماهیت تضاد های درونی خود قبول میکند در جریات تغییر عام پدیده ها عوامل درونی مبنای تغییرند و عوامل بیرونی شرط تغییرند. بعبارت دیگر عوامل خارجی باعتبار عوامل درونی (تضاد های درونی) اثر میکنند مثلاً گیاهان مختلف در يك باغ تحت تاثير شرایط تقریباً مساوی و بطور تفاوت های خود را از دست نمیدهند؟ زیرا تضاد های درونی درخت های مختلف اثر عامل خارجی را سمت میدهند. چرا يك حادثه معین تاثيرات متفاوتی روی افراد میگردد؟ چرا عذبه ای با شنیدن منطق صحیح موضع گیری منفی اتخاذ میکنند، با وجود اینکه شدیداً تظاهر به پیروی از حق مینمایند و پاره ای در برابر منطق درست تسلیم میشوند؟ مثلاً بعضی افراد در برابر مشکلات مؤمن تر و پاره ای ما تپوس تر و منحرف تر میشوند؟ (۱۸) این دو موضع گیری متفاوت بعلمت ساختن درونی افراد است. (۱۹) چرا ویتنام شمالی در برابر حملات آمریکا قویتر و مصمم تر میشود اما مالک عربی



سست تر و نرم‌تر؟

ضریات رژیم بر سازمانها متناسب صحت خط منی و استحکام درونی آنها اثر میگذرد . بنا بر این بدنبال هر شکست و پیروزی ابتدا باید بدرون خود رجوع کنیم زیرا علل اصلی شکست و پیروزی علل درونی هستند (۲۰)
تعلیمات باید بر اساس خصوصیات درونی افراد پیاده شود . باید بدوستان کمک کنیم تا خود را تغییر دهند . لبه تیز آموزشها باید متوجه تغییر درون افراد باشد نه آنکه تغییر برات صوری در روابط بیرونی آنها ایجاد کند .

در بررسی مسائل سیاسی و دیپلماسی کشورها باید نخست تضادهای درونی آنها را بررسی کرد تا روشن شود که مثلا فلان رژیم برای حل کدام تضاد و تحت فشار کدام مشکلات ناشی از آن دست بیک اقدام سیاسی میزند ؟ مثلا برقراری روابط چین و اندونزی و چین و ایران ، چین و آمریکا - اثرات انقلاب فلسطین و فشار در کشورهای منطقه بر اساس آمادگی و استعداد درونی این کشورها است و موضع گیری رژیمهای مختلف در مقابل آنها نیز ناشی از ماهیت درونی آن کشورها میباشد .

xalvat.com

تضاد اصلی ، تضادهای فرعی ، جنبه اصلی تضاد

در یک جریان ، در یک پدیده ، ما تنها با یک تضاد مواجه نیستیم بلکه غالباً تضادهای زیادی بچشم میخورد . مثلا رژیم بعنوان یک پدیده تضادهای گوناگونی دارد . تضاد بیسن منافع ملت و منافع خویش ، تضاد بین جناحها و دسته های مختلف داخل رژیم ، تضاد بیسن تبلیغات و عمل ، تضاد بین مسائل شهر و ده ، تضاد بین بوروکراسی و تحول اداری و روشن است که تمام این تضادها برای رژیم در یک درجه اهمیت قرار ندارند ، بلکه از میان تمام آنها یکی اصلی است و بقیه نسبت بآن جنبه فرعی دارند . تضاد داخلی ، تضاد بیسنکته رشد و دوام و یا ضعف و نابودی پدیده ، قبل از همه بآن مربوط است و وجود سایر تضادها وابسته به وجود تضاد اصلی است . تا وقتی که تضاد اصلی حل نشود ، دست کاری سایر تضادها فقط از شدت مسئله بطور موقت میکاهد اما در عوض تضادهای جدید زائیده میشود (۲۱) .
مثلا اصلاحات ارضی ، انقلاب اداری ، سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات ، پیکار بسا

بیسوادی و ... اینها همه برای اینست که از اهمیت تضاد اصلی کاسته شود و همچنین برای گریز از حل مستقیم تضاد اصلی و صغفی نگه داشتن آن است. در صورتیکه مسائل جدیدی که این اقدامات بوجود آورده، خود پس از مدتی موجب تشدید تضاد اصلی میگردد. از اینجاست که به راز موفقیت کشورهای انقلابی در حل تضاد های درونی جامعه پی میبریم و همچنین است علت عدم موفقیت کشورهای غیر انقلابی و حتی نسبتاً مرفقی (مثلاً مصر) در امر دشوار حل تضاد هایی که همواره با آن مواجهند در مورد انمان نیز همینطور است. هر کس در درون خود و در زندگی خود، با تضاد های مختلفی روبرو است، اما همیشه یکی از آنها اصلی است و بقیه تماماً جنبه فرعی دارند. تا هنگامی که ما در صدد حل تضاد اصلی خودمان بر نیامده ایم کلیه تلاشها و ما در جهت حل تضاد های دیگری شعر بوده و در نهایت تغییر اساسی در ما ایجاد نمی شود. در مورد سازمانها، هر سازمان با تضاد های زیادی مواجه است، اما در هر شرایط معینی یکی از آنها اصلی و بقیه فرعی هستند. تضاد اصلی که سازمان مسا با آن روبرو است، عبارت است از تضاد بین حفظ و رشد سریع سازمان (جهت شروع به عمل و حل تضاد ملت و رژیم) و در مقابل، شرایط پلیسی و اقدامات نابود کننده رژیم. برای حل این تضاد و رفع ابهام از اوضاع سیاسی جامعه، خط مشی صحیح، حل تضاد های فرعی نیست و اگر فقط با تضاد های فرعی سرگرم باشیم همواره با مشکلات جدیدی که زائیده ایسن شیوه غلط است مواجه خواهیم بود. بنا بر این شکافتن راه بجلو، در جهت حل تضاد اصلی جامعه وظیفه دانی سازمان است (۲۲). حال که تا حدودی مفهوم تضاد اصلی و نقش آن در تغییرات و فرقی و رابطه آن با تضاد های فرعی روشن شد، به بررسی جنبه اصلی تضاد میپردازیم. (تضاد اصلی نقش اساسی را در تغییر پدیده ها به عهده دارد) همانطور که میدانیم هر تضاد از دو جنبه تشکیل میشود و این دو جنبه هیچوقت در حال تعادل و موازنه دانی نیستند، بلکه در هر شرایطی یکی از دو جنبه صورت مسلط و حاکم را داشته و جنبه دیگر صورت محکوم و مغلوب را دارد. جنبه مسلط را در هر تضاد جنبه اصلی (یا عده) آن تضاد میگویند. وضعیت پدیده را نیز همین جنبه مسلط تعیین میکند. مثلاً جنبه اصلی تضاد بین ملت و رژیم فعلاً رژیم است و شکل جامعه را خواست جنبه

سلطه تعیین می کند (۲۳) . مثلا جنبه اصلی تضاد در افراد خود خواه ، هدف های شخصی است نه هدف های غائی و اجتماعی . جنبه اصلی تضاد در یک جسم مرکب با عوامل ترکیب است . این مطلب حائز اهمیت است که ، تسلط یک جنبه بر جنبه دیگر همیشگی نیست . در صورت وجود شرایط مساعد ممکن است جنبه مغلوب ، بتدریج رشد نماید و جنبه مسلط بتدریج ضعیف شود ، تا وقتی که جنبه مغلوب بتواند وجه غالب تضاد در بیاید (۲۴) و در این صورت است که پدیده دچار تحول کیفی میشود (۲۵) . مثلا یک عمل و تئوری درست ، ممکن است در شرایطی بیک عمل و تئوری نادرست تبدیل شود و یا جسم مرکب در شرایط خاص تجزیه گردد . در تضاد بین ملت و رژیم ، وجه غالب ، یعنی رژیم ، تحت شرایط خاص از بین میرود و جنبه مغلوب تضاد یعنی ملت بصورت حاکم و مسلط در می آید . در یک چنین حالتی اجتماع صورت جدیدی بخود میگیرد و سیستم فعلی جای خود را بیک پدیده و سیستم (نو) دیگر میدهد که دارای تضاد اصلی جدیدی است (۲۶) . ما در بالا ، جنبه اصلی تضاد اصلی را مورد توجه قرار دادیم ولی باید توجه داشت که تمامی تضاد های فرعی یک پدیده نیز ، دارای جنبه اصلی و فرعی میباشد .

xalvat.com

نتایج عملی

برای تحلیل مسائل اجتماعی و پیش بینی وقایع سیاسی باید جریانات و پدیده های اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد ، با توجه به تضاد های آنها جنبه های اصلی و غیر اصلی آنها را مشخص نمود ، نیروها و جنبه های رشد پاینده را تعیین نمود و جنبه هایی را که ضعیف و یا رو به ضعف هستند نیز باید مشخص کرد و بالاخره بر مبنای اینها قضاوت نمود (۲۷) . در یک پدیده برای اینکه یک جنبه دائما بصورت مسلط باقی بماند ، باید دائما خود را تغییر دهد . مثلا برای اینکه بتوانیم سازمان را حفظ کنیم و بسرعت آن را رشد دهیم ، باید دائما با کنترل دقیق جمعی از مخاطرات جلوگیری کنیم از حوادث کوچک و بزرگ در سو تجربه بیند و رژیم و با جمع بندی سریع اقداماتمان شیوه های کار خود را تصحیح نمائیم و بالاخره تشریها و برنامه های خود را پیوسته نو کنیم حتی رژیم هم میکوشد با تطبیق خود با شرایط نو آوردن -

برنامه های جدید بصورت جنبه مملط باقی بماند (ولی چرا رژیم سرانجام موفق نخواهد شد ؟)

xalvat.com

شیوه حل تضادها

آیا برای حل تضاد های مختلف مانند باز کردن قفل های گوناگون میتوان از شاه کلید استفاده کرد ؟ مسلماً نه ، بطوریکه گفته شد هر تضاد ویژگی خاصی دارد و برای حل هر تضاد باید به خصوصیت ویژه تضاد عمیقاً توجه کرد ، هر تضاد ویژه ای راه حل ویژه ای دارد ، کلید تضاد هائیکه خصوصیت ویژه آنها یکسان است ، راه حل آنها نیز یکسان است ، تضاد هایی که با هم اختلاف کیفی دارند راه حل های آنها نیز از لحاظ کیفی با هم مختلفند ، شیوه های عمومی حل تضاد ها باید با ویژه گیهای هر مورد خاص کاملاً تلفیق داده شوند ، مثلاً تضاد بین امپریالیسم و ملت ها ، فقط از راه مبارزه مسلحانه حل میشود ، مبارزه مسلحانه بشیوه عام حل تضاد فوق است اما این شیوه عام در هر کشور وابسته به امپریالیسم ، شکل خاصی بخود میگیرد و با شرایط و خصوصیت ویژه محلی آمیخته میگردد ، این قسمت یعنی تلفیق شیوه های جهانی حل تضاد ها ، با شرایط ملی و محلی ، مشکل ترین کار تئوریک ، یک مبارزه است و مهم ترین وظیفه قشر پیشتاز میباشد ، برای درک بهتر مطلب فوق بحثهای زیر توجه می کنیم :

تضاد بین جهان عینی و جهان ذهنی از طریق برخورد با واقعیت های خارجی و تفکر و عمل مداوم حل می شود ، تضاد بین انسان و طبیعت از طریق تکامل ابزار تولید حل می گردد ، تضاد بین حق و باطل ، تکامل و ضد تکامل از طریق مبارزه حل میشود (۲۸) .

تضاد بین عام و خاص ، با عام جدید تر ، که واقعیت را گسترده تر از پیش منعکس کند ، حاصل میگردد ، (مثلاً آنجا که قانون جاذبه عمومی نیوتون قدرت تفسیر برخی از پدیده های طبیعت را ندارد ، تئوری عامتر و گسترده تری مانند نسبیت انیشتین آنها را تفسیر می کند) ، تضاد بین افکار درست و نادرست ، از طریق انتقاد و انتقاد از خود رفع شدنی است .

تساویسج عملی

برای حل مسئله مبارزه در ایران نمیتوان به الگوهای از قبل بریده شده اتکا کرد ، غلط

مشق مبارزه بر اینجا باید بر مبنای تحلیل علمی از شرایط ذهنی و تاریخی جامعه ایران بوده و از درون بررسی عینی اجتماع حاصل گردد. (البته شك نیست که وجوه مشترکی با مبارزات ملت‌های دیگر خواهد داشت) .

مسائل خصوصی و نقایص روحی افراد را نمی توان با تجویز داروی واحد درمان کرد همیشه باید دستورالعمل های عام را با موارد خاص تطبیق داد . یعنی اول باید هر فرد را دقیقاً معاینه کرد و بعد بر مبنای این شناخت داروی مورد لزوم را تجویز نمود . برای عضوگیری افراد مختلف نمیتوان از یک شیوه واحد استفاده کرد . بلکه متناسب خصوصیات افراد باید زمان عضوگیری نحوه و تعداد تماس ها ، مطالبی که مطرح میشود و ... را تغییر داد و کم و زیاد نمود .

برای مبارزه با نقایص خود و رفع معایب دیگران همیشه نمیتوان بیک شیوه معین انتقاد و انتقاد از خود ، پایبند بود بلکه لازم است متناسب شرایط از روشهای موثرتر ، تنبیه های متنوع تر و ضربه های کاری تر و خلاصه شیوه های عملی تر که بیشتر جنبه روانی داشته باشد - استفاده کرد .

xalvat.com

دگماتیزم

شیوه و نوع آموزش را نمی توان در مورد افراد گوناگون یکسان دانست و بدان مبادرت نمود بلکه باید با احاطه بر روح مطالب و بر مبنای درک صحیح فرد و نیازهای او برای رسیدن به هدف مورد نظر موضع صحیح را در آموزش اتخاذ کرد . عدم توجه به نتایج فوق و کار برد آنها در عمل ، بهر حال ما را بدامن (دگماتیزم) می لغزاند زیرا ما برای دستور العمل ها و شیوه های عام بیشتر از حد لازم بها قائل شده ایم . با پرستش (اصول) بطوریکه در هنگام عمل نتوانیم ویژه گیهای محیط و قضایا را در برنامه ها و اقداماتمان برای رسیدن به هدفهای مورد نظر دخالت دهیم . چهار دگماتیزم شده ایم . پافشاری روی اصول تا این حد که تنها مانع از رسیدن ما به مقصد میشود بلکه خود بصورت سد و مانع راه کمال توده مردم خواهد شد و لذا احتراز از این سقوط در این ورطه نیز از پیش ضروری می نماید (۲۹) این انحراف

سرانجام به انکار واقعیت‌های موجود منتهی گشته و عمل ما را بشکل ماشینی در آورده و به دور، واد ارمان میسازد و در نتیجه از غنی تر شدن شناسائی ما جلوگیری میکند. بدین شکل خود را پای بنده اصول و دستور العمل‌ها کردن، در حقیقت پشت پا زدن به خصلت بنامیک شناسائی و معرفت‌می باشد. قبلاً گفتیم که دانش و معرفت ما دائماً عمیقتر میشود و از نسبی به مطلق می‌گراید (۳۰). این مطلق‌گرایی جریان معرفت، مبین نسبی بودن و گسترده شدن دانش آن است. بنابراین اصول و دستور العمل‌های عام اگرچه خود بندهائی ثابت‌مانند ولی چون سایر پدیده‌ها تغییر میکنند آنها دیگر بشکل اولیه قابل پیاده کردن نمی‌باشند. باید آنها را با شناسائی‌های جدید و با اوضاع و شرایط خاص میدان عمل، در آمیخت و اصول کاملتر و عاقلانه‌تر است آورد (۳۱). بهر حال شیوه‌ها و دستور العمل‌های عام را روی کاغذ نوشتن و بی‌صبرانه در صدد پیاده کردن آنها در اجتماع بودن و صد در صد به آنها اتکا کردن، از صورتهای رایج "دگماتیسم" است. بافکار و نظرات خود بیش از حد لازم، ارزش دادن، بالاتر از شناخت خود و واقعیتهای دیگر را معتقد نبودن، و همواره بدنهال کشن حقایق نبودن، خود و اعتقادات خود را خطا ناپذیر دانستن، نیز صورتی دیگر از "دگماتیسم" است و پرهیز از صورتهای مختلف "دگماتیسم" امری بسیار مشکل است وقتی در نظر بگیریم که قضایا را مشروط در نظر گرفتن (۳۲) و مشروط قضاوت کردن چقدر مشکل است و حتی ببینیم که دست کشیدن از آرا، و عقاید فرد در مقابل مسئله‌نوی جدید و کنار انداختن فرمولها و دکمتهای خشک، بمنظور قبول واقعیتهای روشن تر چقدر دشوار است، به واقعیت فوق بیشتری می‌بریم. بهر لحاظ با تلاش فکری و عقلی فوق العاده و برخورد صادقانه با قضایا است که می‌توان از انحراف دگماتیستی بیزد بود. ضمناً باید توجه داشت آنها که اعتقاد به جاری‌ترین سنت‌های طبیعت و آفرینش را به غلط به حساب دگماتیسم می‌گذارند، سخت به این بیماری خطرناک مبتلا هستند. در اسلام و شیوه رهبران بزرگ آن، پرهیز از این بیماری مهلك بوجهی کاملاً نوین دیده میشود و به‌عایت دینامیسم امر شناسائی و درك شرایط، و عمل متناسب با شرایط زمانی و مکانی توجه کافی شده است (مفهوم واقعی اصل اجتهاد) (۳۳) و باید اضافه کرد که زنده ماندن روح اسلام در اوائل، در سایه همین اصل بزرگ بوده و متأسفانه علت عدم ایفای نقش تاریخی اسلام را در این زمان نیز باید، نتیجه عدم رعایت همین اصل از طرف مسلمانان بویژه رهبران فعلی دانست. تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از گرایشهای

دگماتیستی دارد که هر کدام ضربات سختی به پیگر اسلام وارد آورده اند (۳۴)
 (از سوانح گرفته تا فدائیان اسلام و گروه‌های جدیدتر) .
 تاریخ ۳۰ سال اخیر* هیأت‌های ایران زندگی‌ترین نمونه‌های انحرافات دگماتیستی را در پاره
 - ای از رهبران نشان می‌دهد . از تحلیل این نمونه‌ها باید درس و عبرت کافی گرفت .

تضاد های آشتی پذیر و تضاد های آشتی ناپذیر در طبیعت

xalvat.com

جایی که اراده بشر نمیتواند دخالت کند ، تضادها مستقل از اراده او حل میشوند و حل
 این قبیل تضادها در نهایت در جهت حرکت عمومی پدیده‌ها و جهان است ، ولی در جوامع
 بشری ، یعنی آنجا که اراده بشر علت اصلی حرکت‌ها و تغییرات است ، تضادها باید بکمک اراده
 بشر هدایت شوند ، اراده او نمیتواند تضادها را در جهت خلاف حرکت پدیده‌ها حل کند
 مگر بطور موقت و گذرا و با صرف انرژی زیاد که تا ۹۰٪ با ایجاد مانع در مقابل حرکت عمومی
 پدیده‌هاست مثلا امپریالیسم نمیتواند تضاد بین منافع خویشرو ملت‌ها را برفع خودشرو برای
 مدت طولانی حل کند . این مخالف با سنت آفرین‌تر است ، امپریالیسم وقتی میتواند بدین
 شکل تضاد فوق را حل کند که انسان را کاملا به حیوان تبدیل نماید و این امری است محال .
 اگر جنبه کهنه و رو بضعف تضاد ، در مقابل جنبه دیگری مقاومت آشتی ناپذیر نداشته باشد ،
 با کمک اراده بشر تضاد مزبور بصورت آشتی پذیر حل می‌شود . اما در غیر این صورت حتما
 باید بشکل آشتی ناپذیر تضاد را حل کرد (۳۵) . مثلا تضاد بین رژیم وابسته به امپریالیسم
 و ملت هرگز از طریق مسالمت‌آمیز قابل حل نیست زیرا در جریان حل این تضاد باید وجه
 مقابل یعنی رژیم از بین برود و این چیزی نیست که رژیم بطور آشتی پذیر بر آن تن در دهد
 (۳۶) . همچنین تضاد بین کارگر و سرمایه‌دار و بطور کلی استثمارشدگان و استثمار
 کنندگان از راه‌های مسالمت‌آمیز حل نمی‌شود و یا در مورد معايب خود و دیگران نباید
 چشم‌پوشی از راه‌های مسالمت‌جویانه باشیم بلکه نحوه حل این تضاد ، انتقاد و انتقاد
 از خود است (۳۷)

مثلا يك فرد خود کم‌بین سخت‌نعت فشار این دو جنبه متضاد است ملاحظه پیشرفت



دیگران از یک طرف و احساس خود کم بینی و ناتوانی خود از طرف دیگر. اگر چنانچه —
 آگاهی اشمان در حل این تضاد دخالت نکند بعد از مدتی بعد آشتی ناپذیر رسیده و بهم
 صورت حسادت حل می شود و صورتهای مختلف بخود میگیرد. یا سر رفته گیری، احساس نفرت
 از دیگران، فشارهای روحی تازه، از دست دادن ایمان و بالاخره در نهایت ضایع کسردن
 شخصیت خود و عده ای دیگر. اما این تضاد بطور آگاهانه با درک عینی خود و دیگران و
 توسعه هر چه بیشتر امکانات خود، تنها بمنظور خدمت در پیشبرد امر جهان حل می شود.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX یا ورقی هیا XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

* ۱ - به ص ۲۳۲ و ۲۳۱ از خطبه ۹۰ و ابتدای خطبه ۱۰۲ و ص ۳۵۳ خطبه —
 ۱۱۳ مراجعه شود. *

* ۲ - سوره یمن آیه ۳۶ به این نکته باید توجه کرد که برخی افکار کوتاه در تفسیر "زوج
 آفریدن همه چیز" از زوجیت زن و مرد بالا ترفته و این مفهوم را به همه مصادیق جهان
 تعمیم نمیدهند و از اینجاست که برخی از ملائکه زن میشوند و گروهی مرد - رعده
 و ذاریات آیات ۴۷ تا ۵۰. *

۳ - ملاصدرا: **لَوْلَا التُّضَادُّ مَا صَحَّ حَدُوثُ الْحَادِثِث** - اگر تضاد نبود هیچ پدیده ای
 وجود نداشت.

* ۴ - سوره روم آیه ۱۹ و آل عمران آیات ۲۶ و ۲۷. *

* ۵ - دو خط آخر ص ۲۶۲ از خطبه ۹۰ و اوائل خطبه ۱۱۲. *

۶ - ضرب المثل (کوزه گر از کوزه شکسته آب میخورد) مبین کدام واقعیت در اجتماعات
 گذشته و حال میباشد ؟ * به صفحات ۳۲۴ و ۳۲۵ از خطبه ۱۰۷ که مکتبم این فیصل
 تضادها را با بیان جالبی موشکافی میکند مراجعه شود. *

xalvat.com

* ۷ - **كُلُّ قُوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ . . . و كَلُّ قَائِدٍ غَيْرُهُ يَغْتَدِرُو . . .** از خطبه ۶۹ ص ۱۵۶ این
 خطبه درباره درك صفات خدا بسیار جالب و قابل تعمق است. *

* ۸ - خطبه ۱۱ ص ۶۲. *

* ۹ - سوره حجر آیات ۶ تا ۱۴. *

۱۰ - قرآن، سوره قصص آیات ۱ تا ۶* این است آیات کتاب روشن بر تو میخوانیم داستان موسی و فرعون را که حق است (افسانه نیست) تا مومنان گوش کنند (عبرت گیرند) فرعون کسی بود که البته در زمین بزوری جسته و اهالی آن سامان را طبقه طبقه کرده بود. طبقه ای را نوسری خور کرده پسوان آنها را (از ترس آنکه مبادا فردی از طبقات نوسری خور بوجود آید و بعکومت او خاتمه دهد) سر می برید و زناشان را (برای بهره کشی) زنده نگه میداشت و البته او از فسادکاران بود. و اراده می کنیم (فعل مضارع استعمراری) که سر نوسری خورده ها منت نهم و آنان را در زمین پیشوا و وارث قدرت پیشینان (منحرفین از راه تکامل) نمانیم و فرعون و (مشاورش) هامان و سپاهیانش آنچه را که همواره از آن بیم داشتند (و همیشه با هزاران دروغ و حيله از آن دوری جسته و در حفظ و نگهداری خود بهر وسیله می کوتیدند و مخالفین را برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه ای سر می بریدند) بنمایانیم.

* ۱۱ - از خطبه ۶۴ حضرت علی (کَلِّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُعَلِّمٌ ... کَلِّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ ...) در این خطبه ضمن تشریح صفات خدا فکر هر نوع مطلق اندیشی (علم - قدرت - شناخت - فکر - بینائی) را در مورد انسان رد میکند. مطالعه خطبه ۱۰۸ ص ۴۲۷ در این باره جالب است در اواخر این خطبه از محدودیت و نسبی بودن شناخت صحبت میکند.

xalvat.com

* ۱۲ - توضیح: در مورد شخصیت سازی از دیگران - سوره آل عمران آیه ۰۸ لازم به تذکر است که آنانکه از خدا میخواهند پس از هدایت گمراه نشوند در حقیقت به این نکته توجه کرده اند که هدایت شاید بیک امر مطلق نیست و امکان گمراهی فرد هدایت شده می باشد. بنا براین از نظر قرآن به هدایت شده امکان انحراف و گمراهی دارد و هدایت و گمراهی امری مطلق نیستند.

* ۱۳ - سوره نصر پس از پیروزی بزرگ و رو آوردن گروههای مسردم به دین اسلام به پیغمبر دستور داده می شود که فقط توجهش بکنه خدا باشد و طلب آموزش کند. از این مطلب معلوم میشود که

په پیروزی یسک امر مطلق و غیر قابل تغییر نیست گنجه
 وقتی حاصل شد در پی کسار تمام شده باشد ، بلکه در همان پیروزی
 عوامل شکست مثلا غرور وجود دارد که اگر رشد کند پیروزی را بسسه
 شکست تهدید می کند و به همین لحاظ به پیغمبر دستور داده میشود که
 پس از پیروزی متوجه این عوامل باشند و با طلب آموزش و تسبیح خدا عوامل
 غرور را از بین ببرند . *

xalvat.com

۱۴ - و این مطلب اشتباه حزب توده را در ایران تا آنجا که باین بحث مربوط است

تشریح میکند .

۱۵ - قرآن در قسمتهای مختلف ، از جمله در سوره عنکبوت آیات (تا ۴) سرگذشت
 و تاریخ اقوام گذشته را با ذکر خصوصیات ویژه آنها (نوع مخالفت و کیفیت عذاب) توضیح
 میدهد و در انتباه به وجوه مشترك کلیه آنها اشاره کرده و به ذکر قوانین عام بر آنها
 (انهدام نیروهای ضد تکامل) می پردازد . مطلع سوره فوق (عنکبوت) با آیاتی در باره
 ضرورت آزمایش افراد بشر در کوران حوادث شروع میشود و سپس به ذکر تاریخ سرگذشت
 پاره ای از جوامع برده داری گذشته می پردازد که صاحبان برده ها گروه برده ها را
 برای ساختن قصرهای سنگین و اهرام ثلاثه و کارهای شاق دیگر تحت استثمار و بهره کشی
 شدید قرار می دادند ، آنگاه از واژگونی سیستم های ظالمانه فوق بهره گیری آنها بزرگ نظیر
 نوح ، ابراهیم ، لوط ، موسی و ... یاد میکند و نتیجه را طی چهار آیه
 (تا ۴) بصورت قانون عام چنین بیان می نماید * مثل کسانی که جز خدا را برای خود
 سرپرست میگیرند همانند عنکبوت است که خانه ای برای خود می سازد (و چنین می
 پندارد که خانه اش خیلی محکم و استوار است) در صورتی که سست ترین و بی پایه ترین
 خانه ها همان عنکبوت است ، اگر علم و دانش داشته باشند (یعنی وقایع را بطور
 علمی تحلیل کرده و قدرت ظاهری کفار و مخالفین راه تکامل را که ضمن آیات قبل مختصرا
 بعنوان نمونه بدانها اشاره شده است ، دلیل بر قدرت مطلق و شکست ناپذیری آنها
 ننگرند) همانا خداوند به قدرتهائی که جز او خواننده میشوند و جز او مورد اتکا قرار می
 گیرند آگاه است (یعنی ماهیت آن قدرتها را میداند و به بوجی آنها آگاه است) در

حالی که خداوند غالب و حکیم است (مظهر حکمت خدا همان حرکت تکاملی جهان هستی است) که اینها مثالهایی است که برای مردم می زنیم اما جز صاحبان دانش و عالمان ، کسی آنها را درک نمی کند . در اینجا پس از ذکر حقایق کلی و عام فوق الذکر ، علت شکست باطل و پیروزی اجتناب ناپذیر حق را ، به حرکت تکاملی جهان پیوند میدهد و می گوید و خلق الله السموات و الأرض بالسحق إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْعَالَمِينَ " شکفت آور اینکه حرکت تکاملی جهان را آیه و نشانه ای برای شناخت خدا می دانند که از آن با صیغه مفرد (آیه) که نموداری است از يك جریان واحد ، یاد گردیده است . همچنین در ص ۳۶ و ۴۷ از خطبه اول نهج البلاغه ضمن نشان دادن دینامیسم قرآن (مهم) به مسئله خصاص و عام اسلام (قرآن و نهج البلاغه) اشاره شده و این اصل مهم (از موارد خاص به وجوه مشترک و قوانین عام رسیدن و سپس با توجه باین قوانین عام ، برخورد داشتن با موارد خاص) در خلال بررسیها و تحلیلها بیچشم میخورد . برای توضیح بیشتر بدگر نمونه هایی میبرداریم

سوره محمد - در آیه اول - قانون عام حاکم بر تمام کسانی که آگاهان حق را می پوشانند و سد راه خدا می گردند را بیان میکند (تباه شدن برنامه ها و اعمالشان و شکست مقتضایان یک سرانجام با آن رویرو خواهند شد) و در آیه ۴ به خاص پرداخته ، نقش - انسان و دستور روز او را مشخص می نماید ؛ (بیا کردن جنگ عادلانه برای از بین بردن جنگ غیر عادلانه) و سپس در آیه ۸ تا ۱۰ ، مطابق همان روش خاص خود مطالعه علمی در حواد - ت تاریخی را پیش میگذرد ، مطالعه تاریخ آنها یک علت ظلم و تجاوز به مردم از تکامل آنان ، سرنگون گشته (مطالعه در خاص ها) و در آیه ۱۱ علت اصلی و کلی سرنگون شدن آنها را چنین بیان میکند (این بدان علت است که خداوند سرپرست مؤمنین است اما کفار پشیمان و سرپرستی ندارند) و در آیات دیگر این سوره نیز این مضمون تحلیل دنبال میشود .

سوره روم نیز نمونه جالبی برای درک این چنین سبک و تحلیل است ؛ در اوائل سوره از جنگ فرساینده دو تمدن بزرگ (بزرگ از نظر کمی ولی از نظر محتوی درونی سست و ضربه پذیر) آن زمان (روم و ایران) و شکست های متقابلشان سخن به



میان آورده و سپس از این مورد خاص به نتیجه عام و کلی رهنمون می‌شود (غالبیت از آن نیروی خدائی است) این سبک تحلیل را دنبال می‌کنند و مدام دعوت به مشاهده و بررسی پدیده ها (خاصرها) کرده و می‌خواهد در همین حد متوقف ننموده ، بکشف توانین و عسلل اصلی و — وجوه عام منتهی گردد . در آیه ۹ مطالعه علمی در حوادث گذشتگان را پیش می‌کشد و در آیه ۱۰ بوجه مشترک آنها اشاره می‌کند و نتیجه سرنوشت مشترکشان را یاد آور می‌شود (سرنوشت نوم و شکست مفتضحاته) ۰۰۰ و در ص: ۳۲۴ و ۳۲۵ نهج البلاغه علی (ع) از جامعه تحت تسلط ارتجاع صحبت می‌کند و سقوط و انهدام عوامل سلط را یاد آور می‌شود و از این مورد خاص به اصل عام حاکم بر جهان پرداخته (وَ لِكُلِّ اَجَلٍ کِتَابٌ وَ لِكُلِّ غَیْبَةٍ اٰیَاتٌ) از این اصل عام دستور روز را بیرون کشیده و وظیفه رهبری و مردم را متذکر می‌گردد .

در خطبه ۹۸ پس از دعوت به بریدن از وابستگی های این دنیای گذرا برای پیوستن به ابدیت و ۰۰۰ (از خط ۱۱ ص ۲۹۲) برای اینکه مسائل را عینی تر کند ارجاع به تباریخ می‌دهد که با تفکر و اندیشه و عبرت گیری (که با درك وجوه عام امکان پذیر است) بینائی و استنباط و وظیفه خود را در دوره تاریخی خویش درت بخشیم . xalvat.com

* ۱۶ — موضع گیری خاص و کاملا ابتکاری علی (ع) پس از رسیدن به خلافت که در خطبه

۱۶ ، شیوه خاص تضاد های جامعه بعد از عثمان را تشریح می کند و تشریح بی سابقه ای که حسین (ع) در جهت حل تضاد های جامعه اسلامی آن زمان دنبال کرد . *

* ۱۷ — یکی از علل اختلافات احادیست اینست که پیامبر، ائمه به افراد مراجعه

کننده با توجه به نظر کلی منکسب دستوراتی مناسب با شرایط و خصوصیات ویژه هر کدام می‌دادند بعد ها که این گفته ها و دستورات جمع آوری شده است از نظر افرادی که دارای قدرت استنباط لازم نمی باشند این گفته ها متفاوت و گاهی متناقض بنظر آمده است . خطبیه ۲۰۱ ص ۲۱۵ حضرت علی (ع) در باره علل اختلافات احادیست بحث می‌کنند که بسیار جالب است . از این خطبه میتوان خوبی دینامیسم اسلام و شیوه های

دینسازیک رهبرهای برجسته آنرا درك کرد . *

* ۱۸ — سوره احزاب آیات ۱۰ تا ۲۹ (در ضمن جنگ احزاب) تا تیر مواجهه با دشمن

را در منافقین و مؤمنین بیان میفرماید . همچنین خطبه ۵۵ ضمن اشاره به مشکلات - طاقت فرسای مبارزات ضد اسلام که جنگ و مرگ چون پدران و پسران و پسران پسران و خویشان دور میزد، میگوید این سختی ها و اثرات منفی ایمان و اطاعت و تسلیم در برابر حق را در ما افزایش میدهد . در حالیکه مشکلات شما را به زسونسوسی و تسلیم واداشته (تا' شیر عوامل خارجی به اعتبار عوامل درونی است) میگوید چون خداوند صباقت و پاکسازی ما را دید دشمن را خوار و ما را پیروز گردانید . *

* ۱۹ - سوره بنی اسرائیل آیه ۸۴ و خطبه ۱۰۵ (خطاب به اصحاب) ص ۳۱۷ . *

۲۰ - سوره رعد آیه ۱۱ خداوند وضع هیچ ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود وضع -

خوبتر را عوض کنند .

xalvat.com

۲۱ - نقطه ضعف اصلی رفورمیسم و در نتیجه بی فایده بودن اعمال رفورمیستی در چسبه

چیزی باشد ؟

* ۲۲ - قرآن برای نشان دادن مسرزش بین عمل اصلی که متوجه شکستن سد اصلی (حل تضاد اصلی) است و عمل خاشیه ای (حل تضادهای فرعی بدون توجه به تضاد اصلی) در سوره توبه آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ، شواهد فوق العاده مهمی ارائه میدهد (رجوع شود به تفسیر شماره ۲ سوره توبه) همچنین از نظر قرآن تنها کسانی قادر به حل تضاد بین حق و باطل هستند و میتوانند در جنگ بین حق و باطل سهیم باشند که تضاد بین حیات واقعی و حیات کاذب را حل کرده باشند ، آیه ۲۴ از سوره توبه . *

* ۲۳ - صفحات ۳۲۴ و ۳۲۵ از خطبه ۱۰۷ ، جامعه منحط را که تحت حکومت باطلسسل

است ترسیم میکند تا' شیر سیستم حکومت، جنبه سلطه را ، روی جامعه تشریح میکند - سنجش مردم یا ملاك خود ، یا مردم چگونه رفتار میکند ؟ چه کسی را باقی میگذارد ، حیوانی و سرگردان و سلب قدرت ، تشخیص حق از باطل - شما را به کجا می برند (بسوی زندگی حیوانی جهت بهره کسی همیشگی) و خطبه هائی نظیر خطبه ۹۷ و ۱۰۰ و قسمت دوم خطبه ۱۵۷ و خطبه ۹۲ و صفحه ۳۶۵ از خطبه ۱۱۵ که طرز جالبی تا' شیر جنبه سلطه تفسیران (جنبه ضد تکامل و نظام حاکم) را در جنبه دیگر تشریح میکند . *



- * ۲۴ - خطبه ۱۱۵ و قسمت سوم خطبه ۱۰۲ . *
- * ۲۵ - از نظر قرآن تبدیل جنبه غالب به مغلوب و بر عکس همراه با يك تغییر کیفی و جهشی است (آیات ۱ و ۲ سوره تکویر و سوره انشقاق و ۳ زلزله) . مثلا تغییرات کیفی عظیم جهان را جهشی میداند و از این معنی در قرآن به لفظ "القاره" یاد شده است و یاد رمورد قیامت جهان را يك جهش بزرگ جهانی پس از تغییرات تدریجی و مد اوم میداند (مطالعه صفحه ۱۹ ، سوره انبیا " از " پرتوی از قرآن " در باره کلمه فصل مطالعه شود . جلد اول جزء سی ام) . *
- * ۲۶ - صفحه ۲۱۸ قسمت سوم از خطبه ۸۶ - صفحه ۳۱۸ از خطبه ۱۰۵ - صفحه ۳۴۱ از خطبه ۱۱۰ و صفحه ۳۴۴ از همین خطبه - خطبه ۱۱۰ و ۹۷ و همچنین از صفحات ۳۴۴ و ۳۲۵ از خطبه ۱۰۷ ضمن توسیع جامعه منحل که تحت سیستم منحل قرار دارد و ضمن تشریح مکانیسم این تسلط ، باز از سر آمد داشتن این تسلط صحبت میکند که جنبه مخالف ، همواره بصورت مسلط و غالب تفوهد بود و در مجموع تضادها بنفع جنبه مساوی تکاملی حل گشته و پیروزی نهایی از آن حقیق است . *
- * ۲۷ - ۲۶ خطبه ۱۶ مراجعه شود . ضمن بررسی خصوصیات رهبری به این مطلب مهم اشاره میکند که رهبری باید بتواند از فروغ به اصول و از جزئیات به کلیات راه یابد و از ظواهر به ریشه ها و وجوه مشترک دست یابد . به پیش بینی هایسی که خطبه های ۱۲۵ ، ۱۰۷ ، ۱۰۲ ، ۵۹ ، ۱۰۰۰ دیده میشود مراجعه گردد . *
- * ۲۸ - خطبه ۱۰۳ و خطبه ۲۳ (مکانیسم آشکار شدن حق) و خطبه ۵۵ (که اسلام چگونه و از چه راه مستقر گشت) و قسمت نامه علی به عثمان بن حنیف و قسمت آخر خطبه ۴۲ که در باره احیاء حق و شکست باطل با شمس صحبت میکند . *
- * ۲۹ - در خطبه ۵۷ علی (ع) مشخصی نماید ، در خطبه ۹۵ نیز این انحراف را بطرز جالبی مشخصی نماید و از اعتقاد دگم به (لا حُکْمَ إِلَّا لِلَّهِ) شروع میشود و در نسلهای بعد سر از دزدی و راهزنی در می آورد . *
- * ۳۰ - رجوع شود به کتاب علم به کجا میرود ؟ اثر ماکس پلانک ترجمه احمد آرام فصل ۶ تحت عنوان از نمین تا مطلق .



* ۳۱ - خطبه ۱۷ ص ۷۱ و نیز ۵۳ و خطبه ۲ که در مورد قبول بیعت توضیح میدهد که این پذیرش بر اساس شکر زیاد و شناخت شرایط و درک عمیق اسلام صورت گرفته نه اینکه پیغمبر (ص) به او چنین دستور داده باشد. به عبارت دیگر علی (ع) پس از سالها صبر موقعی دست بکار شد که شرایط عینی در حدود اهداف علی (ع) به حد اقل آماده‌گی خود رسیده بود و همینطور است آنجا که در خطبه های ۳۷ و ۵ علی (ع) از خط مشی خود بعد از مرگ پیامبر (ص) (سکوت) صحبت میکند که چگونه با سکوتش تضاد عجیبی را حل کرد. بدین امر اشاره میکند که سکوت از دانش همیشگی بسبب اصول ناشی می‌شود. *

* ۳۲ - قرآن در قسمت‌های متعدد، آنهایی که از افکار و رسوم کهنه دست برنداشته و به افکار و آداب و رسوم نو، روینیاورده اند، مورد سرزنش قرار میدهند. از جمله سوره مؤمنون آیات ۷۲ تا ۷۷. اواخر خطبه ۱۷ در این مورد بسیار جالب است که چگونه خونیهای ریخته شده از نقایص چنین رهبری (بدون صلاحیت) فریادها زند، چه انحرافاتسی در چنین جامعه ای رخ نمیدهد. * xalvat.com

۳۳ - موارد آموزنده بسیاری وجود دارد که تنها به چند مورد از آنها اشاره می‌شود

موضوع گیری اسلام در امر (حل مسئله بردگی) و اینکه چرا اسلام بطور صریح و بصورت دستور لغو بردگی را اعلام نکرد و این مشکل را با توجه به ضرورتهای تاریخی بطرز دینامیک و در مدت دراز حل نمود؟ برای درک بیشتر دینامیک اسلام و قرآن به صفحات ۲۶ و ۲۷ از خطبه اول مراجعه شود (از این گفتار می‌توان فهمید که چگونه آیات قرآن در عین حال که جاودانی است، اما نسخه چاپی نیستند و اگر چنین بود عمل بدان، . . . آسان بود) اشتباهی که خیلی‌ها از جمله ابوبکر و عمر بدان دچار شدند (حضرت علی در این قسمت از خطبه، از اصل وقوع ناسخ، منسوخ (که همان دیاکتیک طبیعت است) (به تفسیر پرتوی از قرآن جلد اول مراجعه شود) آزادیهایی که در مورد دستورات علی الوجوه دارد، مطلق‌ها و قصه‌های محکم و منطابق

... بحث می کنند تا آنجا که می گویند آیاتی هستند که سنت نبوی (ص) آنها را نسخ کسرد و برعکس این قسمت برای درک روح دینامیکسی قرآن بسیار ضروری است (معانی فیهی الاسلام در این مورد ناقص است) *
موضوع گیری متفاوت ائمه (ع) در برابر سیستمهای حاکمه که با توجه به درک مرحله تاریخی توده مردم و شناخت عمیق شرایط عینی عصر خود و تسلط همه جانبه به روح متناسب اسلام صورت میگرفت نمونه بارز دیگری در این مورد است. این مبارزات گوناگون از سکوت ۲۵ سال و پذیرش بیعت و پرداختن به حل تضادهای داخلی علی ابن ابیطالب (ع) و صلح امام حسن (ع) و قیام مسلحانه امام حسین (ع) تا مبارزه از طریق دعا و نیایش امام چهارم (ع) و بالا بردن قدرت شناخت و قدرت فکری مردم که توسط امام پنجم و ششم (علیهم) صورت میگرفت و تن دادن به زندانیهای طولی مدت تا پذیرش ولایت عهدی شخص کشیفی چون ماه مون، همه و همه جز در سایه درک دینامیکسم اسلام و شناخت شرایط عینی و ضرورتهای جامعه عصر خود امکان پذیر نبود و تحلیل این مبارزات بسیار آموزنده (بالا برنده قدرت استنباط) بدون دخالت دادن این عوامل ما را به وادی جمودها و دگم های مذهبی که در حقیقت همان ذهنی گراتسی است می کشاند.

xalvat.com

۳۴ - بودند افرادی که علی (ع) را در جنگها یاری نمیکردند و استدلالشان این بود که طرف مقابل جنگهای پیغمبر همگی از مشرکین بوده در حالی که تو میخواهی بسط مسلمین بجنگی، "جنگهای قاطعانه علی (ع) با صحابه پیغمبر و حتی با زن او در جنگ جعبل" و در نتیجه برای نیفتادن در شبهات و خطاها کناره گیری میکردند. من بینیم که حضرت علی (ع) در خطبه ۳۳ نهج البلاغه با چه قاطعیتی در این مورد سخن میگوید و این قاطعیت با سوگند (والله) مؤید است که همانطور که با آنها در حال کافر بودن نشان جنگیدیم، امروز هم کسی که راه ارتجاع و فتنه را پیش می گرفته اند، جنگ را ادامه خواهد داد.

* ۳۵ - برای نمونه به موارد اندک زیر اشاره می شود:

صفحه ۳۷۶ از خطبه ۱۲۱ نشان میدهد که تا زمانی که راهی (مورد پذیرش شرح و منطقی) برای نزدیکی شدن (وحدت) حل تضادها بطریق مسالمت آمیز پیدا نشده

باید جنگ را با ارتجاع (که عامل انحراف و بهم زنده و مرزهای حق و باطل و به شبهه انداختن مردم است) ادامه داد ، و در ص ۳۸۲ در خطبه ۱۲۴ و همچنین نامه ۶۵ صفحه ۱۰۵۹ نیز در آشتی ناپذیری این تضادها صحبت میکند و نشان میدهد که سرجمعیت بی نیزه زدن بیابان و مبارزه مستمر که جان از تن خارج کند (نابودی قطعی) و بی شمشیر زدن که کاسه سر را خرد کند و قدمها را قطع کند حاضر به ترك مواضع خودشان (که بنا حق اشغال کرده اند) نیستند .

در خطبه ۱۳۶ نیز نشان میدهد که حق مظلوم را جز با خوار کردن ظالم از طریق مبارزه عادلانه (علیه مبارزه غیر عادلانه) نمیتوان گرفت . مطالعه خطبه ۴۳ در این باره بسیار مفید است . نکات زیر در این خطبه قابل توجه است

- ۱ - ظرفیت و شکستناپذیری خاص در جهت هدف (غیر انقلابی)
- ۲ - جنگ انقلابی هدفدار است
- ۳ - هدف گستر نیست ، هدایت است (در صورت حل تضاد از طریق مسالمت آمیز) اما برای از بین بردن جنگ ظالمانه مجبور است جنگ عادلانه براه اندازد
- ۴ - تا آخرین ساعات سعی میکند که مردم را بسوی حق بکشد اما احتیاط و آمار گسی رزمی را هم فراموش نمیکند

xalvat.com

و خطبه ۳۴ و خطبه ۱۰۶ .

آیه ۱۰۸ سوره توبه (راجع به تضادی که فقط از راه مبارزه حل میشود) - سوره توبه ۱۵ تا ۱۳ (که بدون راه حل آشتی جویانه و غیر آن توجه شده است) و سوره محمد آیات ۱ تا ۱۳ ، ترجمه :

با کسانی که آگاهانه بر سر راه خدا (راه تکامل) مانع می نراشند بیپرده تلاش میکنند چه اعمال ضد تکاملی نهایتاً بجای نخواهد رسید و گمانیکه ایمان آورده اند و اعمال ناپسته (مطابق با شرایط) بجای می آورند و نیز به آنچه به محمد نازل گشته است (به علت حق بودنش) ایمان آورده اند ، بدیهایشان را زایل کرده و کار و بارشان را اصلاح می کنند (زایل شدن بدیهها در سایه ایمان و عمل صالح امری است طبیعی) چرا چنین است ؟ چرا تلاش کفار در نهایت امر بیپرده است ؟ و چرا تلاش مؤمنین و عاملین به حق بالاخره

منتج به نتیجه می گردد ؟ زیرا کسانی که کفر ورزیده اند پیروی از راه ضد تکامل کرده و -
 مومنین پیروی از راه حق (همان راه تکامل) . در آیه بعدی نقش اصلی انسان را در
 تکامل اجتماع بیان میکند . به عبارت دیگر نباید چنین تصور کرد که حالا که حق پیروز است
 و باطل نابود پس دست روی دست میگذاریم تا این عمل بخودی خود انجام گیرد . اینجاست
 که خدا بر و قوت آن میگوید : در مقابله با کفار با هد کردن هایشان زده شود ، خونشان جاری
 گردد و باقیمانده ، طناب اسارت برایشان محکم شود و یکی از دو کار (در باره اسرای فسوق)
 انجام گیرد یا در برابر پول ، کالا و خدمت اسرا ، مبادله شوند یا آنکه با منت نهادن بر سر
 کفار (موقعیکه هرگز نمی توانند خللی در امر تکامل ایجاد نمایند) آزاد شوند (آنجا که
 طرفداران باطل با آگاهی کامل و هنار بر راه خود ادامه میدهند) جز از راه جنگ عادلانه
 و انقلابی (و اگر خدا میخواست (برورش دیگری) پیروزی را برای شما مهیا میکرد اما عده ای
 را بدست عده دیگری میآزماید) تا تکامل یابند (برخوردار حق و باطل با هم است
 تکامل اجتماع می گردد) ، و کسانی که در راه خدا میروند هرگز اعمالشان تیساه نمی
 شود . (در اینجا نتایج دنیا را نباید از نتایج آخرت جدا کرد) بزودی هدایتشان
 کرده و کارشان را اصلاح مینماید . (وقت شود که راه اصلاح در عصر غلبه کفر گد است ؟ آیا
 پرداختن به کار حاشیه ای یا برداشتن مانع اصلی راه تکامل) و شما را وارد بهشتی میکند
 که اوصاف آنرا برایتان بیان کرده است . ای کسانی که ایمان آورده اید چنانچه خدا را یاری
 کنید (راه تکامل را طی کنید) خدا هم شما را یاری میکند و قدمهای شما را استوار
 میگرداند - در اینجا قرآن مطابق همان روش خاص خود مطالعه علمی در حوادث تاریخ
 را پیش میکند . مطالعه تاریخ آنهاست که بعلمت ظلم و تجاوز به مردم و جلوگیری از تکامل
 آنها سرنگون گشته و دلیل سرنگونی آنها را چنین میفرماید . **تِلْكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ**
آمَنُوا وَ إِنَّ الْكَافِرِينَ لَأَوْلَى لَهُمْ (منطبق فوق در کتب آیاتیکه مسلمین را بجهاد دعوت
 میکند و با آنکه نتایج کلی از جنگهای اسلامی را برای مردم اهم از موافق و مخالف بیان میکند
 موج می زند) این بدان علت است که خداوند سرپرست مؤمنین است اما کفار پشیمان و
 سرپرستی ندارند و پس از ذکر یکی از خصوصیات بارز کفار (که زندگی جز زندگی حیوانی و
 چهارپایان نیست) حوادث تاریخ گذشتگان را یاد آوری میکند - و کاین من قریه

آیه ۱۳] (ترجمه بعبده خود برادران است) . *

* ۳۶ - به خطبه صفحه ۹۲۸ مراجعه شود آنجا که از اهمیت حل تضادهای داخلی حزب (پیوندگان يك راه) که دارای نقطه نظرهای اصلی مشترك هستند (صحبت میکنند باید از طریق انتقاد و انتقاد از خود صورت گیرد (اصلاح زَاتُ الْبَيْنِ اُخْلُ . . .) و در آخر خطبه نیز از همبستگی افراد در داخل صحبت می کند که باید اتفاق و اتحاد و پیوند نزدیکی جایگزین دوری و جدائی گردد و لازمه این گذشت و فداکاری نسبت به دیگران است (تبادل) و باید از طریق آشنی جویانه و اصل مهم انتقاد و انتقاد از خود حل گردد (عَلَیْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ اِیَّكُمْ وَالتَّعَابِرِ) خطبه ۱۴۰ نیز در این مورد حائز اهمیت است که باز حل آشنی جویانه و توأم با محبت و مهربانی را در داخل جامعه * (به کلمه اخسا که در خط ۳ از این خطبه آمده است توجه گردد) متذکر میگردد . توجه به نکات بسیار آموزنده دیگر نیز در این خطبه ضروریست . *

xalvat.com

اشارات اہم

آنچه تا کنون منتشر شد است:

اجتہاد

- ۱- اسنادی درباره همبستگی انقلابی خلق ایران با خلق عمان (فرانسه)
- ۲- نطق‌ها و مکتوبات مجاهد شهید سید حسن مدرس (جلد اول)
- ۳- زندگینامه و مدافعات مجاهد شهید سعید محسن (عربی)
- ۴- اسناد و مدافعات ربهبران و اعضا سازمان مجاهدین (فرانسه) جلد اول
- ۵- امام خمینی در مقابل امپریالیسم ریهیونیم و ارتجاع (فرانسه)
- ۶- امام خمینی در مقابل امپریالیسم ریهیونیم و ارتجاع (عربی)
- ۷- زندگینامه و تاریخچه مبارزات شیخ مرالدین قسام (بنیانگذار جنبش سلطانه خلق فلسطین)
- ۸- هفتادامه از مجاهد شهید دکتر علی شریعتی

xalvat.com

تکثیر

- ۱- گاهنامه آلمان و ایترمان (تهیه شده توسط دانشجویان دانشگاه فردوسی - مشهد -)
- ۲- شخصیت حسینعلی اثر گرانقدر مجاهد شهید احمد رضائی
- ۳- تفسیر خطبه جناب امام علی اثر مجاهد شهید مهدی رضائیس
- ۴- از زندگسی انقلابیون مدرس بگیریم، زندگینامه ۱۲ مجاهد شهید
- ۵- شناخت (بخش اول سری مباحث آید نولوزیک سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران) همراه با دستبهای حذف شده

- ۶- تکامل مبارزه ملی اثر جلال الدین فارسی
- ۷- مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار نوشته حسین مکی
- ۸- فتاوی علمای اسلام در تائید جنبش فلسطین (عربی)
- ۹- فتاوی علمای اسلام در تائید جنبش فلسطین (فرانسه)
- ۱۰- هکذاکان یا اخی (آری اینچنین بود برادر) نوشته مجاهد شهید دکتر علی شریعتی

مسائل آید نولوزیک

- ۱- توحید و اجماد گوناگون آن، نوشته یک گروه انقلابی داخل کشور
- ۲- ...
- ۳- شمال و جنوب (گفت و شنود مجاهدین با دکتر علی شریعتی)
- ۴- توحید و اجماد گوناگون آن، نوشته یک گروه انقلابی داخل کشور
- ۵- ... (شهادت در جهان بینی توحید)
- ۶- تفسیر سوره کہف
- ۷- در سبانی از مکتب جناب " دعای دوم "
- ۸- در سبانی از مکتب جناب " دعای سوم "
- ۹- تفسیر سوره طه
- ۱۰- ... نوشته یک گروه انقلابی داخل کشور
- ۱۱- " فروع نسیج البلاغه از نجم الدین منتظر "
- ۱۲- " حیات و موت "، " زکر "، " بلا و برگیری "، " اختیار " و " هدایت " از دیدگاه توحید و موتنه یک گروه
- ۱۳- " عدالت "، " امامت " و قیامت در جهان بینی توحیدی
- ۱۴- در سبانی از نسیج البلاغه از سازمان مجاهدین خلق ایران .